

منظومه تربیتی جوان و نوجوان مسجدی

زهرا حقانی (فعال حوزه رسانه)

منظومه تربیتی یعنی چه؟ جوان و نوجوان و تنظیم چنین منظومه‌ای برای او، چه اهمیتی دارد؟ و ...

جوان و نوجوان مسلمان باید بدانند اصلاً چرا به مسجد می‌آید. می‌آید که چه بشود. آیا می‌آید تا فقط چند رکعت فریضه روزانه را به جا آورد و بار تکلیف را از دوشش بردارد؟ یا اینکه می‌آید تا با این آمدن زمینه به وجود آمدن اثرات دیگری را تضمین کند. جوان مسلمان برای اینکه بتواند در عرصه اجتماعی هدفمند و سازنده باشد، باید خودش را بشناسد، مبانی دینی‌اش را بشناسد، مسجد را بشناسد و بدانند اساساً این نهاد برای چیست. اگر او این مسائل را بدانند یقیناً هدفمند، برنامه‌مند و هوشیارانه در همه عرصه‌ها حضور پیدا می‌کند.

حالا اگر جوان بدانند دین برای همه شئون زندگی‌اش برنامه دارد چه می‌شود؟ آیا جز این است که به دامان دین پناه می‌آورد و عاشقانه به دنبال دستورات آن می‌گردد؟

جوان مسلمان باید بدانند دین آمده است تا تربیت کند. دین آمده تا جامعه را سر و سامان ببخشد، مردم را از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر پریدن نجات دهد. آمده است راهی نشان دهد برای همیشه تاریخ، برای همه انسان‌ها. اگر توجه کنیم می‌بینیم در همه حرکت‌های شکل‌گرفته در تاریخ اسلام، از دیرباز تا کنون، مسجد نقش بسزایی داشته است. مسجد که پایگاه اسلام است، در همه این حرکت‌ها و در همه عصرهای تاریخ اسلامی، نقش بسیار بااهمیتی داشته است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه جوان مسجدی چگونه باید باشد؟ با پاسخ دادن به این سؤال می‌توان بخش عظیمی از منظومه تربیت دینی در سایه‌سار مسجد را تنظیم کرد.

ما در این نوشته کوتاه با اشاره به نمونه‌های اساسی از بایسته‌های جوان مسجدی، چند محور از مجموعه این منظومه را مورد بحث قرار می‌دهیم:

مسجد جایگاه نماز است، جایگاه عبادت است. نماز هم که به گفته قرآن «تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» است؛ یعنی ویژگی نماز این است که انسان را از کارهای نادرست و ناپسند به دور می‌دارد. جوان مسجدی باید از نمازش نیرو بگیرد و همیشه در برابر زشتی‌ها و گناه‌ها بایستد. باید امر به معروف و ناهی از منکر باشد. نباید نسبت به کسانی که کنارش هستند و با او مراوده و معاشرت دارند، بی خیال باشد. باید نسبت به آنان دغدغه داشته باشد و برایشان دل بسوزاند. باید تمام توانش را بگذارد تا برای دیگران کار کند. اصلاً امر به معروف و نهی از منکر یعنی همین؛ یعنی تو به‌عنوان یک مسلمان حق نداری

در قبال برادرت کوتاه بیایی. باید به فکرش باشی و مشکلات زندگی‌اش را مشکلات زندگی خودت بدانی. امر به معروف و نهی از منکر بر خلاف آن تصور خشنی که -متأسفانه- امروز در ذهن‌ها نقش می‌بندد و به افکار متبادر می‌شود، یکی از زیباترین و انسان‌دوستانه‌ترین جلوه‌های دغدغه‌مندی دینی است. امر به معروف می‌گوید؛ برادرت از این بهتر هم می‌تواند باشد. نهی از منکر می‌گوید؛ برادرت باید از آنچه می‌کند دست بکشد، باید به جای سقوط، صعود کند. چرا تو کمکش نکنی؟ جوان مسجدی باید اینها را بداند. باید بداند مسجد می‌آید که این چیزها را یاد بگیرد، مسجد می‌آید که نسبت به بغل‌دستی‌اش در مترو و اتوبوس، همکارش، برادرش، خواهرش و خلاصه هر کسی که کوچک‌ترین ارتباطی با او دارد، بی‌توجه نباشد.

مسجد می‌آید که دلش برای کشورش بسوزد، برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند. می‌آید تا یاد بگیرد هر چقدر هم که کوچک است، باید به همان اندازه، برای رشد اجتماعش بکوشد، باید برای مملکتش، حکومتش و برای کیان کشورش تلاش کند.

اگر این طور باشد، اگر به فردای قوم، کشور و دینش بیندیشد، دیگر مسجد محمل بیکاری‌هایش نمی‌شود، جایگاه بی‌برنامگی‌هایش نمی‌شود، دلیل درس نخواندن‌ها و تنبلی‌هایش نمی‌شود. برعکس وقتی که بفهمد برای چه به مسجد می‌آید، درس خوان می‌شود، مؤدب می‌شود، با برنامه و هوشیار می‌شود. او وقتی بفهمد مسجد نهاد دغدغه‌مندی است، به خودش اکتفا نمی‌کند، دائم برای دیگران نگران است و تکاپو دارد. او وقتی بفهمد مسجد به او یاد می‌دهد باید برای دیگران هم دل بسوزانی و راهنماییشان باشی، دیگر آرام و قرار ندارد. جوان مسجدی انقلابی است، می‌خروشد و می‌جوشد.

وقتی در همه چیز سرآمد جامعه‌اش باشد، می‌تواند جریان‌ساز هم باشد. حالا یک جوان مسجدی وقتی به عرصه جریان‌سازی تأثیرگذاری پای می‌گذارد، جامعه‌اش را در پرتو همان آموخته‌های مذهبی‌اش رشد و نمو می‌دهد. به بیانی واضح‌تر می‌توان گفت تربیت یک جوان مسجدی با ویژگی این‌چنینی، خودش یک مبارزه با سکولار کردن جامعه دینی است.

امروز نتیجه طبیعی عدم تبیین کارآمدی‌های مسجد، مساوی با تربیت نیروهای ناکارآمد مذهبی در اجتماع و نمایاندن چهره نامناسب از دین در میان اقشار جامعه است.

اما از همه این بحث‌ها مهم‌تر این است که چه کسی قرار است این مسایل را برای جوانان ما تبیین کند؟ چه کسی می‌تواند؟ آیا همین عوامل فرهنگی که مسئول گرداندن کانون‌های مساجد هستند، قدرت چنین کاری را دارند؟ یعنی اصولاً هر کسی می‌تواند چنین کاری کند یا خیر؟ آیا کسی که خودش رنگ دو صفحه کتاب را ندیده است، می‌تواند در مورد فضیلت علم و علم‌آموزی و ضرورت توجه مسجدی‌ها به علم کاری مؤثر انجام دهد و جوانان و نوجوانان را قانع کند یا خیر؟

به نظر می‌رسد همان‌طور که یکی از اصول بدیهی عقلی می‌گوید فاقد شیء نمی‌تواند معطی آن باشد، یعنی تا کسی از چیزی بهره‌مند نباشد نمی‌تواند آن را به دیگران نیز اعطا کند، پر واضح است کسی که خود اهل علم نیست، توانایی چنین کاری را ندارد. کسی که خودش دغدغه‌مند نیست نمی‌تواند حس دغدغه‌مندی در مخاطبش هم ایجاد کند. مهم‌تر از آن این است که در یک مسجد اینکه امام جماعت با جوان‌ها چگونه تعامل می‌کند، خیلی به چشم می‌آید. خیلی مهم است امام جماعت خودش برای جوانان دغدغه دارد یا نه، برای جوانان فکر می‌کند یا نه؟ دل می‌سوزاند یا نه؟

به هر حال بررسی کامل شاخصه‌های یک منظومه کامل فکری برای تربیت جوانان مسجدی متدین و پایبند به اصول، مجالی بیش از این می‌طلبد؛ اما به نظر می‌رسد تقویت حس دغدغه‌مندی یکی از چیزهایی است که می‌تواند به عنوان نیروی محرک دیگر عوامل را نیز جریان دهد. خوب است بدانیم در آیات و روایات برای تنظیم این چنین منظومه‌هایی مطالب سودمند کم نداریم.

فرد مسجدی خوب، مسجدی پایبند، مسجدی ارزش‌مدار و اصول‌محور کسی است که اولاً مسجد را با تمام خصوصیاتش بشناسد. ثانیاً در عمران و آبادی مسجد بر اساس معیارها و موازین مطرح‌شده کوشا باشد و در نهایت سعی کند که صفات قابل‌الگوبرداری مسجد را برای خود برگزیند و در وجودش نهادینه کند؛ مثلاً مسجد خوب مسجدی است که به گفته قرآن «أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» باشد. مسجدی خوب هم مسجدی‌ای است که سعی کند به هر میزانی که می‌تواند صفت تقوا را در وجود خود نهادینه کند و اعمال روزانه زندگی خود را بر اساس موازین تعریف‌شده در قالب تقوا پی‌گیری کند.

با چنین دیدی می‌توان منظومه کامل تربیتی جوان و نوجوان مسجدی را ترسیم و تبیین کرد.